

بررسی جایگاه اقتصاد غیررسمی در اقتصاد اسلامی

دکتر حسین صادقی^۱

سید هادی مخزن موسوی^۲

(تاریخ دریافت ۸۹/۸/۱۲ - تاریخ تصویب ۹۰/۲/۴)

چکیده

در سال‌های اخیر تلاش‌های فراوانی برای تعریف و طبقه‌بندی فعالیت‌های غیررسمی از سوی دانشمندان اقتصادی صورت پذیرفته است. از جمله توماس بر اساس دو معیار قانونی بودن و مبادله بازاری فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد، آن را به چهار بخش خانوار، غیررسمی، نامنظم و جنایی تقسیم کرده است. مقاله حاضر تلاش می‌کند که بر اساس چارچوب مبتنی بر اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی را در مقایسه با تقسیم‌بندی اقتصاد متعارف، طبقه‌بندی نماید. بر اساس این طبقه‌بندی، معیار مبادله در بازار حفظ می‌شود و می‌تواند در اقتصاد اسلامی نیز به کار گرفته شود. از معیار شرعی بودن در مقابل قانونی بودن بهره گرفته شده و سرانجام اینکه معیار نیت، که از دیدگاه اسلام و ادبیات اقتصاد اسلامی دارای اهمیت فراوانی است، مورد استفاده قرار گرفته است. به این ترتیب معیارهای مبادله بازاری، شرعی بودن و نیت، پایه‌های سه‌گانه تعریف و تقسیم‌بندی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی را در اقتصاد اسلامی فراهم می‌آورند.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد غیررسمی.

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، sadeghih@modares.ac.ir

۲ - کارشناس ارشد علوم اقتصادی، s.20.mousavi@gmail.com

مقدمه

شاخه‌های متعددی از علم اقتصاد وجود دارد که هر یک از آن‌ها به زمینه‌ای خاص توجه می‌نمایند، نظیر اقتصاد رفاه، اقتصاد پولی، اقتصاد خرد و غیره؛ ولی تاکنون فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی کمتر مورد توجه و بررسی اقتصاددانان قرار گرفته است (توماس، ۱۳۷۶: ۳). حدوداً اوایل دهه ۷۰ میلادی بود که نخستین بار سازمان جهانی کار از اصطلاح بخش غیررسمی، برای توصیف فعالیت‌های نیروی کار فقیری که بسیار سخت کار می‌کردند اما از سوی مقامات دولتی شناسایی، ثبت، حمایت و یا اداره نشده بودند، استفاده کرد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۵). البته در عرف عمومی عبارت غیررسمی^۱ رفتارهایی را در بر می‌گیرد که بطور نسبی فاقد چارچوب هستند، به عبارت دیگر وقتی چیزی غیررسمی تلقی می‌شود که از چارچوب^۲ خارج شده باشد. اقتصاد رسمی، به طور خلاصه عبارت است از هر آنچه که بطور منظم در عصر ما مطرح است؛ لذا اقتصاد غیررسمی، اقتصاد نامنظم است. به تعبیر دیگر، از نقطه نظر دنیای مدرن، هر آن چیزی که نمی‌تواند کنترل شود و یا نمی‌توان آن را درک کرد، غیررسمی است؛ یعنی یک چیز بی‌قاعده، غیر قابل پیش‌بینی، متغیر و نامرئی. در این نوشتار سعی می‌شود با روشی تحلیلی-توصیفی، ابتدا جایگاه اقتصاد غیررسمی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی تبیین گردد و سپس مقایسه‌ای بین این دو دیدگاه صورت پذیرد. شایان ذکر است که مقاله حاضر - با توجه به جستجوهای صورت گرفته - تنها مطالعه‌ای است که به تبیین و طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی در اقتصاد اسلامی پرداخته و مقایسه‌ای با اقتصاد متعارف داشته است. بر این اساس و با توجه به اهمیتی که بخش غیررسمی دارد، می‌تواند راهگشای مطالعات و تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد.

تعریف اقتصاد غیررسمی از دیدگاه اندیشمندان گوناگون در بخش اول آورده شده است. بخش دوم به طبقه‌بندی و بیان حدود اقتصاد غیررسمی در اقتصاد متعارف اختصاص دارد و در بخش سوم معیارهای طبقه‌بندی در اقتصاد اسلامی تبیین شده است. بخش چهارم مربوط به حدود شرعی در تفکیک فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد و بعد از بیان مقایسه دو دیدگاه اسلام و اقتصاد

۱ - Informal

۲ - Form

متعارف در مورد اقتصاد غیررسمی در بخش پنجم و خلاصه و نتیجه گیری بحث در بخش پایانی ذکر شده است.

۱- تعریف اقتصاد غیررسمی از دیدگاه اندیشمندان گوناگون

با توجه به مفهوم وسیع این بخش از اقتصاد، واژه‌های مختلفی برای تبیین این اقتصاد و یا بخشی از این اقتصاد به کار گرفته شده است. واژه‌هایی مثل نابازاری^۱، غیر قانونی^۲، سیاه^۳، گزارش نشده^۴، پنهان^۵، سایه‌ای^۶، ثانویه^۷، نامنظم^۸، نامرئی^۹، موازی^{۱۰}، زیرزمینی^{۱۱} و غیررسمی^{۱۲} و همچنین تعاریف گوناگونی برای این اقتصاد بوجود آمده است که بسته به موقعیت، تعاریف برای اشاره کردن به همه معاملات و نه فقط آمارهای رسمی استفاده می‌شوند بدین معنی که به عنوان مثال شامل تولیدات درون خانوار هم می‌شوند (کارت^{۱۳}، ۱۹۸۴ و فیج^{۱۴}، ۱۹۷۹).

ویت و سیمون^{۱۵} (۱۹۸۲) اقتصاد پنهان را فقط شامل فعالیت‌های جزائی و جنایی (غیر قانونی) از قبیل، تجارت مواد مخدر، فحشا و... می‌دانند. فری و ویک هانمن^{۱۶} (۱۹۸۴) اعتقاد دارند علاوه بر نقل و انتقالات مالی، فعالیت‌هایی نیز جزء اقتصاد غیررسمی هستند که برای کشور ارزش

۱ - No Market

۲ - Illegal

۳ - Black

۴ - Unrecorded or Unreported

۵ - Hidden

۶ - Shadow

۷ - Second

۸ - Irregular

۹ - Unobserved or Invisible

۱۰ - Parallel

۱۱ - Underground

۱۲ - Unformal

۱۳ - Carter

۱۴ - Feige

۱۵ - Witte & Simon

۱۶ - Frey and Weck-Hanneman

اقتصادی ایجاد می کنند، ارزش هایی که جزء تولید ناخالص ملی بوده و قاعدتاً بایستی در محاسبات حساب های ملی تبلور پیدا کنند.

اسمیت^۱ اقتصاد غیررسمی را به عنوان تولید بر مبنای بازار کالاها و خدمات چه قانونی و چه غیرقانونی که از بازرسی در برآوردهای رسمی GDP گریخته اند، تعریف می کند (اسمیت، ۱۹۸۵: ۱۸).

اشنایدر^۲ (۱۹۸۶) به طور خلاصه فعالیت های اقتصادی ای را که در ایجاد ارزش افزوده نقش دارند و می بایست در درآمد ملی محاسبه شوند، اما لزوماً توسط نمایندگی های سنجش ملی ثبت نشده اند، را فعالیت زیر زمینی می داند.

توماس^۳ بر این باور است که فعالیت ها در اقتصاد زیر زمینی، شامل قانون شکنی به خاطر فرار از مالیات، کلاهبرداری و ... می باشد (توماس، ۱۹۹۰: ۶۲۱).

باگاچوا و ناهو^۴ اقتصاد غیر رسمی را ترکیبی از فعالیت های غیررسمی (واحد های تولید و توزیع با مقیاس کوچک)، بازار موازی (تولید غیرقانونی فعالیت های قانونی) و فعالیت های بازار سیاه (تولید و توزیع کالاهای ممنوع بازار و غیر بازار توسط دولت) قلمداد می کند.

تانزی^۵ (۱۹۹۹) اشاره می کند که اقتصاد سایه ای شامل فعالیت هایی که برای اندازه گیری و مالیات بندی دشوار می باشند، مانند کار در خانه و همچنین فعالیت های غیرقانونی و مجرمانه می باشد. باتاکاریا^۶ (۱۹۹۹) اقتصاد پنهان را به عنوان بازتاب درآمد ملی ثبت نشده که از طریق تفاوت بین درآمد بالقوه ملی برای پول در گردش معلوم و درآمد ملی ثبت شده برآورد شده است، توصیف می کند.

دیکسون^۷ با استفاده از تعبیر اقتصاد پنهان معتقد است که وجه پنهان اقتصاد، شامل ترکیبی از فعالیت های اقتصادی نا بازاری (مانند تولیدات خانگی)، فعالیت های بازاری غیر قانونی (مانند تولید

۱ - Smith

۲ - Schneider

۳ - Thomas

۴ - Bagachwa & Naho

۵ - Tanzi

۶ - Bhattacharyya

۷ - Dixon

و توزیع مواد ممنوع) و فعالیت‌های بازاری قانونی می‌باشد که به دلایلی مانند فرار از پرداخت مالیات، پنهان نگهداشته می‌شوند (دیکسون، ۱۹۹۹: ۳۳۵).

اشنایدر و انست^۱ بیان می‌دارند که اقتصاد زیرزمینی یا سایه‌ای واقعی از زندگی است که در هر سوی جهان وجود دارد و بدلیل اینکه هیچکدام از کارکنان در چنین فعالیتی نمی‌خواهند که مشخص باشند، جمع‌آوری اطلاعات در مورد فعالیت‌های این بخش از اقتصاد، بسیار مشکل می‌باشد (اشنایدر و انست، ۲۰۰۰: ۷۷).

گیلز و دریسک^۲، اقتصاد زیرزمینی را شامل فعالیت‌ها و مبادلاتی می‌دانند که هر کدام ممکن است قانونی و یا غیر قانونی باشند ولی بدلیل عدم گزارش، اندازه‌گیری نمی‌شوند. فقدان گزارش معمولاً بدلیل فرار از بار مسئولیت‌های مالیاتی می‌باشد. مثل پرداخت‌های نقدی گزارش نشده، اخاذی، فساد، فحشا، مواد مخدر و... (گیلز و دریسک، ۲۰۰۲: ۱۱۵).

فوگازا و ژاک^۳ بر این باورند که اقتصاد زیرزمینی می‌تواند شامل هر دو فعالیت قانونی و غیرقانونی و هر دو فعالیت پرداخت شده و پرداخت نشده شود (فوگازا و ژاک، ۲۰۰۳: ۳۹۵).

فری و اشنایدر^۴ بیان می‌دارند که برای اقتصاد زیرزمینی تعاریف گوناگونی بیان گردیده است، ولی بهترین (غالب) تعریف شامل تمامی فعالیت‌های مولد ثبیت رسمی نشده‌ای است، که باید قسمتی از درآمد ناخالص ملی باشد. این تعریف فعالیت‌هایی که در GNP وجود ندارند (مانند خانه‌داری) را بیرون می‌کند، و این نه یکسان با فرار از مالیات (که اغلب باز توزیع می‌شوند) است و نه فعالیت‌های غیر قانونی (فری و اشنایدر، ۲۰۰۴: ۷۴۴۱).

ارویسکا و همکاران^۵ اقتصاد پنهان یا سایه‌ای را مربوط به فعالیت‌هایی می‌دانند که می‌بایست ثبت شوند و از این رو مشمول مالیات قرار گیرند، اما نشده‌اند چون آن‌ها به طور کامل گزارش نشده یا هرگز گزارش نشده‌اند. اقتصاد سایه‌ای همانطور که ایشان تفسیر می‌کنند، منشأ خسارات وخیم بالقوه درآمد دولت‌هاست (ارویسکا و همکاران، ۲۰۰۶: ۷۱۴).

۱ - Schneider & Enste

۲ - Draeseke & Giles

۳ - Fugazza & Jacques

۴ - Frey & Schneider

۵ - Orviska & et al.

چودری و همکاران^۱ معتقدند که اقتصاد پنهان شامل فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی خارج از دسترس دولت می‌باشد (چودری و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۴۹). کاتسیوس^۲ در تعریف اقتصاد سایه‌ای می‌گوید این بخش شامل فعالیت‌های جنایی، مانند فروش دارو، قاچاق، فحشا، شرط‌بندی، قمار و دیگر اقدامات غیرقانونی و همچنین فعالیت‌های قانونی‌ای می‌باشد که به مأموران مالیاتی گزارش نمی‌شوند (کاتسیوس، ۲۰۰۶: ۶۲).

فایگ با محور قرار دادن نظریه نهادگرایی جدید، ملاک خود برای ارائه یک طبقه‌بندی از واژه‌های مرتبط با اقتصاد غیررسمی را «رعایت قواعد نهادی رایج» معرفی می‌نماید. وی می‌گوید ملاک بحران برای تمایز قایل شدن بین فعالیت رسمی یا روز معینی از یک طرف و فعالیت غیررسمی یا زیرزمینی از طرف دیگر، این است که آیا فعالیت با قواعد نهادی رایج بازی توافق دارد. انواع مختلف فعالیت‌های زیرزمینی بر اساس قواعد نهادی خاصی که آن‌ها را نقض می‌کنند، متمایز شده‌اند.

فایگ در تشریح این ملاک می‌گوید، به عنوان یک قضیه عمومی، بنگاه‌های اقتصادی عضوی از بخش رسمی در اقتصاد هستند، مادامی که دخالت‌های آن‌ها با قواعد بازی نهادی وضع شده، توافق داشته باشد یا توسط آن‌ها حمایت شده باشد. بالعکس، وقتی که فعالیت‌های آن‌ها با قواعد وضع شده، توافق نداشته باشد یا حمایت از آن‌ها منع شده باشد، این بنگاه‌ها به عنوان عضوی از بخش غیررسمی نگریسته می‌شوند. وی بر این اساس، فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی را به چهار نوع: غیر قانونی، گزارش نشده، ثبت نشده و غیررسمی طبقه‌بندی می‌کند و با این توضیح که معیار اندازه‌گیری ابعاد هر نوع از این فعالیت‌ها، درآمد کل ایجاد شده توسط هر یک از آن‌ها می‌باشد، تعاریف ذیل را برای آن‌ها ارائه می‌کند:

الف/ اقتصاد غیر قانونی: درآمد تولید شده توسط آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود که قوانینی را که شکل‌های قانونی تجارت تعریف می‌کنند، نقض می‌نمایند. فعالان در اقتصاد غیرقانونی به تولید و توزیع کالاها و خدمات ممنوعه اشتغال دارند.

ب/ اقتصاد گزارش نشده: مقدار درآمدی است که باید به مقامات مالیاتی گزارش شود، اما نشده

۱ - Chaudhuri & et al

۲ - Katsios

است. یک معیار مکمل برای اقتصاد گزارش نشده، شکاف مالیاتی، یعنی تفاوت بین مقدار درآمدهای مالیاتی که باید به مقامات مالیاتی پرداخت شود و مقدار درآمد مالیاتی است که واقعاً جمع آوری شده است. معیار شکاف مالیاتی، نرخ مالیاتی نهایی مناسب به همراه موارد عدم رعایت قواعد مربوط به کسورات و تعدیل‌های درآمد قابل گزارش را در نظر می‌گیرد.

پ/ اقتصاد ثبت نشده: شامل آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که قواعد نهادی در مورد الزامات گزارش‌دهی به مراکز آمار دولتی را رعایت نمی‌کند. معیار خلاصه در مورد اقتصاد ثبت نشده تعداد درآمد ثبت نشده است. یعنی مقدار درآمدی که بایستی (تحت قواعد و رویه‌های موجود) در نظام‌های حسابداری ملی (نظیر حساب‌های تولید و درآمد ملی) ثبت شود، اما نمی‌شود.

د/ اقتصاد غیررسمی: اقتصاد غیررسمی شامل آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که هزینه‌ها را نادیده می‌گیرند (یعنی گریز از پرداخت هزینه‌های معاملاتی) و از منافع و حقوق مندرج در قوانین و قواعد اداری پوشش‌دهنده روابط مالکیت، صدور پروانه بارزگانی، قراردادهای کارگری، خسارات، نظام‌های اعتبار مالی و تأمین اجتماعی محروم می‌شدند. معیار خلاصه برای اقتصاد غیررسمی، درآمد تولید شده توسط کارگزاران اقتصادی است که بطور غیررسمی عمل می‌کنند.

آنچه که طبقه‌بندی فایگ را ارزشمند می‌سازد، تلاش برای ارائه واژه‌شناسی مبتنی بر یک چارچوب نظری مرتبط (نظریه نهادگرایی جدید) و نیز معرفی صریح معیار اندازه‌گیری هر یک از فعالیت‌های طبقه‌بندی شده است (عرب مازار، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۹).

۲- طبقه‌بندی و حدود اقتصاد غیررسمی

توماس (۱۹۹۱) در معرفی اقتصاد غیررسمی و تعیین حدود آن، شاید یکی از مهمترین تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها را ارائه داده است. او در تقسیم‌بندی خود از دو معیار «قانونی بودن» و «مبادله در بازار» اقتصاد استفاده کرده است و می‌گوید: در مفهوم وسیع، منظور از اقتصاد غیررسمی کلیه فعالیت‌هایی است که به عللی در حساب‌های ملی نمی‌آید (توماس، ۱۳۷۶: ۳). براساس تقسیم‌بندی توماس، اقتصاد غیررسمی به چهار بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش نامنظم و بخش غیرقانونی تقسیم می‌گردد.

۲-۱- **بخش خانوار:** این بخش کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می‌گردد و فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی در آن باعث می‌شود که ارزیابی ارزش کالا دشوار باشد و در نتیجه در حساب‌های ملی نادیده گرفته شود. برای مثال فعالیت خانم‌های خانه‌دار در منزل به صورت فعالیت‌های بدون مزدی است که چنانچه ارزش افزوده این فعالیت‌ها در حساب‌های ملی وارد شود، می‌تواند در مجموع تولید ناخالص داخلی را در اقتصاد حدود نیم برابر افزایش دهد. فعالیت‌های مرد در خانه، از قبیل تعمیرات در اوقات فراغت وی نیز در زمره این گونه فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. این امور در جوامع روستایی نمود بیشتری دارد. بالاخص در کشورهای در حال توسعه، به دلیل درآمد کم و در نتیجه خودکفایی خانوارها؛ غالباً کالاها و خدمات بسیاری در خانه‌ها تولید و مصرف می‌شوند. فقدان قیمت برای کالاها و خدمات تولیدی در این بخش عملاً محاسبه میزان و سهم این بخش را در محاسبات ملی غیرممکن می‌سازد. علاوه بر این در این جوامع بسیاری از مبادلات عمدتاً به صورت پایاپای صورت می‌گیرد که بر مشکلات محاسباتی نیز می‌افزاید.

۲-۲- **بخش غیررسمی:** در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاوه بر تولیدات خانگی، در کنار تولیدات سنتی (عمدتاً در بخش کشاورزی) و بخش صنعتی مدرن، بخش دیگری وجود دارد که مورد توجه اقتصاددانان است. این همان بخش غیررسمی است که معمولاً شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آن‌ها و همچنین کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیررسمی است. با آنکه فعالیت کسبه دوره‌گرد، از بارزترین نوع این فعالیت‌هاست، ولی کارگاه‌های کوچک بدون کارگر که اغلب در خانه‌ها قرار دارد، از نظر تعداد اهمیت بیشتری دارد.

با توجه به اینکه تعداد بسیاری از دست‌اندرکاران این بخش در خانه‌ها فعالیت می‌نمایند، پس تفاوت آن با بخش خانوار در چیست؟ تفاوت عمده این دو بخش عبارت است از اینکه تولیدات بخش غیررسمی به خلاف تولیدات خانگی یا بصورت کالا و خدمت واسطه به سایر تولیدکنندگان، یا بصورت کالا و خدمت نهایی به مصرف‌کننده به فروش می‌رسد و این بدان معنی است که مبادلات بازاری صورت می‌گیرد. بنابراین، چون مبادلات بازاری باعث بوجود آمدن آمار مبتنی بر قیمت است، علتی برای منظور نمودن آن در حسابداری ملی وجود

ندارد (هر چند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منظور نمی‌شود). علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی، عمدتاً ناشی از دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است. نکته قابل توجه در مورد بخش غیررسمی این است که کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آن‌ها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است.

۲-۳- بخش نامنظم: تمام فعالیت‌های طبقه‌بندی شده در این بخش، کم و بیش نوعی از ماهیت غیرقانونی بودن مثل فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در کارگاه) و تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن را دارند. اخیراً توجه به اینگونه فعالیت‌ها در کشورهای پیشرفته رو به افزایش بوده و نتیجه آن متداول شدن واژه‌های متفاوتی برای بیان این پدیده است که بطور مثال در انگلستان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به اقتصاد سیاه و در آمریکا به اقتصاد زیرزمینی شهرت یافته است که در اینجا این گونه فعالیت‌ها را، فعالیت‌های بخش نامنظم می‌نامیم. ویژگی عمده دخالت‌های این بخش این است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمات، در نحوه تولید و یا توزیع آن کاری خلاف و غیرقانونی صورت گرفته است. محاسبه ارزش تولید بخش نامنظم نیز با مشکل اندازه‌گیری مواجه است؛ زیرا کسانی که مرتکب کاری خلاف قانون می‌شوند، به ندرت راضی می‌شوند که اطلاعاتی در مورد نوع و حجم فعالیت خود در اختیار آمارشناسان در آمد ملی بگذارند. البته در برخی از کشورها ارقامی را برای این بخش برآورد می‌نمایند ولی به نظر اکثر اقتصاددانان، این برآوردها مبنای علمی نداشته و پایه آن‌ها بسیار سست است.

چون کالاهای تولید شده در بخش نامنظم، جزو کالاها و خدمات مجاز است، و فقط در نحوه تولید یا توزیع آن قانون شکنی شده است، لذا هدف مقامات مملکتی، جلوگیری از تولید آن‌ها نیست بلکه تلاش آن‌ها مقابله با قانون شکنی‌هایی است که در جریان تولید صورت می‌گیرد.

۲-۴- بخش غیرقانونی (جزایی یا جنایی): همانطور که قبلاً اشاره شد تولیدات بخش نامنظم، قانونی و مجاز است، ولی تولیدات بخش غیرقانونی شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون، نظیر، مال دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش مواد افیونی، فحشاء و غیره می‌باشد. با توجه به اینکه خلافکاران و جنایتکاران، عمل خلاف خود را گزارش نمی‌کنند، بدیهی است که از پرداخت مالیات هم فرار می‌نمایند (علاوه بر عمل خلاف و جنایت انجام شده)، مسلم اینکه مقامات کشورها عمدتاً در پی پایان بخشیدن به تولیدات خلاف آن‌ها هستند تا

در پس کسب مالیات (توماس، ۱۳۷۶: ۷-۵).

ملاحظه می‌شود که توماس علاوه بر ملاک قانونی بودن که می‌تواند تا حد زیادی بر ملاک «رعایت قواعد نهادی» معرفی شده توسط فایک انطباق داشته باشد، معیار دیگری را برای طبقه‌بندی مفاهیم اضافه می‌کند که آن مبادله بازاری است. براساس دو معیار مبادله در بازار و همچنین قانونی بودن که توسط توماس برای تفکیک فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی مطرح شد، می‌توان جدول زیر را طراحی نمود:

جدول (۱) - ساختار فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی

بخش	مبادلات بازاری	ماهیت تولید	ماهیت تولید توزیع
خانوار	ندارد	قانونی	قانونی
غیررسمی	دارد	قانونی	قانونی
نامنظم	دارد	قانونی	غیر قانونی
غیر قانونی	دارد	غیر قانونی	غیر قانونی

همانطور که ملاحظه شد دامنه تعریف اقتصاد غیررسمی و اجزای آن بسیار گسترده بوده و هر کدام با یکدیگر هم پوشانی دارند. با مقایسه تعریف‌هایی که ذکر شد، مشخص است که اغلب محققان بخشی از موضوع را تعریف و دنبال نموده‌اند. گسترده‌ترین و جامع‌ترین تعریف، طبقه‌بندی توماس می‌باشد که در این نوشتار با تکیه بر تقسیم‌بندی توماس، بخش‌های مطرحه بصورت گسترده‌تری مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

۳- معیارهای طبقه‌بندی در اقتصاد اسلامی

کسانی که اقتصاد آن‌ها بر مبانی مادی پایه‌ریزی می‌گردد، ارزشی بودن کار برای آن‌ها مفهومی ندارد و هدف آنان از فعالیت اقتصادی، چیزی جز منافع مادی و سود بیشتر نمی‌تواند باشد. اگر هم کم و بیش توجه به دیگران برای آنان وجود داشته باشد، جنبه عاطفی داشته و از پشتوانه منطقی و عقلایی برخوردار نمی‌باشد و لذا ناپایدار است. در صورتی که از اموری که جزء بینش دینی مسلمانان است، این است که در رابطه با شرایط مختلف و انواع فعالیت‌ها و اشخاص،

عبادی بودن کار و وجوب عینی و کفایی، استحباب و حرمت آن مطرح است. برای تقسیم‌بندی اقتصاد غیررسمی در چارچوب اقتصاد اسلامی، در مقاله حاضر پیشنهاد شده است که از سه معیار همزمان استفاده شود. به این ترتیب در کنار طبقه‌بندی توماس که از دو معیار قانونی بودن و مبادله در بازار استفاده می‌کند، معیار سوم "نیت عامل" نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. به نظر می‌رسد که عامل "مبادله در بازار" که یک معیار عملیاتی است و بیشتر به حوزه اقتصاد کاربردی متعلق است، می‌تواند در اقتصاد اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد. شایان ذکر است که معیار "قانونی بودن" در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند همانگونه که در اقتصادهای متعارف مورد نظر است، به کار گرفته شود. نکته اساسی در اقتصاد اسلامی آن است که اگر قوانین وضع شده از منابعی، در خارج از حیطه پذیرش چارچوب قانونگذاری اسلامی استفاده کرده باشد، نمی‌تواند به عنوان یک معیار مورد پذیرش قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد که این معیار با معیار "شرعی بودن"، معیار "انطباق با مقررات پذیرفته شده اسلامی" و یا انطباق با "حقوق اسلامی" جایگزین گردد. اما معیار سوم که در رویکرد اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، نیت است که در ادامه هم به تعریف و هم به چگونگی اثرگذاری آن در فرایندهای اقتصادی اشاره می‌شود. در این قسمت ابتدا هر یک از معیارهای یاد شده، تبیین و سپس حالت‌های گوناگون ایجاد شده بر اساس معیارهای مذکور بیان می‌گردد.

۳-۱- احکام شرعی

همه وقایع زندگی انسان می‌تواند مشمول حکم شرعی قرار گیرد، چون خداوند متعال از همه مصالح و مفاسد زندگی انسان و ابعاد گوناگون آن، مطلع است. لطفی که در خور رحمت اوست، اقتضا می‌کند که برای انسان بهترین و کامل‌ترین آیین و مقررات را بر طبق آن مصالح و مفاسد، در جوانب مختلف زندگی انسان وضع کند. اگر بخواهیم فرض کنیم بعضی از افعال انسان حکمی نداشته باشد، یا از آن روست که خداوند مصلحت یا مفسده آن را، یا خالی بودن فعل از مصلحت یا مفسده را نمی‌داند (که حرف باطلی است)، یا می‌داند ولی مضایقه می‌کند و حکمی بر طبق آن مقرر نمی‌کند (که این نیز حرف باطلی است). پس هر آنچه از انسان در زندگی روزمره سر می‌زند، نزد خدای متعال حکمی دارد و عمده دلیل بر این مطلب قاعده لطف است. البته این گفتار را روایات بسیاری که از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) رسیده است، مورد تأکید

قرار می‌دهد. حاصل آن روایات این است که هر آنچه از انسان سر می‌زند، خالی از حکم نیست.

۳-۱-۱- حکم شرعی و اقسام آن

در اصطلاح علمای منطق به نسبت بین دو چیز و در علم فقه و اصول فقه به نسبت موجود بین دو چیزی که از قانونگذار رسیده است، حکم گفته می‌شود.

بعضی گفته‌اند حکم عبارت است از خطاب شارع یا قانونگذار که به فعل افراد مکلف تعلق گرفته و بعضی گفته‌اند حکم یعنی طلب فعل یا ترک فعل توسط قانونگذار از مکلف، البته گاهی هم ممکن است بدون آنکه شارع چیزی را طلب کند به آن حکم گفته شود مانند اباحه، که حکم شرعی است ولی شارع متعلق آن را نفیاً یا اثباتاً طلب نکرده است (شکاری، ۱۳۸۲: ۷۱). به عبارت دیگر، حکم شرعی همان قانونی است که برای تنظیم حیات بشری از ناحیه خداوند صادر می‌شود، اعم از آنکه متعلق آن افعال مکلف باشد یا ذات او یا اموری که در گستره زندگی او قرار دارد (صدر، ۱۳۷۶: ۱۱۸). یعنی فرق نمی‌کند که جعل حکم مستقیماً به فعل مکلف، به خود او، یا به چیزهای دیگر در رابطه با او تعلق گیرد.

در پرتو آنچه که ذکر شد می‌توان حکم شرعی را با توجه به کیفیت تعلق آن به موضوعات، به حکم تکلیفی و حکم وضعی تقسیم نمود:

۳-۱-۱-۱- حکم تکلیفی

حکم تکلیفی در اصطلاح علمای اصول عبارتست از مقتضای خطاب شارع که به جهت طلب یا اختیار به افعال مکلفان تعلق می‌گیرد (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۸) و مستقیماً متوجه رفتار آدمی در تمامی ابعاد زندگی - اعم از شخصی، عبادی، خانوادگی و اجتماعی - می‌شود. در حقیقت، شرع از رهگذر جعل احکام شرعی تکلیفی، عهده‌دار سامان بخشیدن و نظم دادن به این رفتار می‌باشد.

با توجه به اینکه حکم تکلیفی مقتضای خطاب شارع است که به جهت طلب یا اختیار به افعال مکلفان تعلق می‌گیرد و طلب، یا طلب فعل است یا ترک و هر کدام حتمی و یا غیر حتمی است، در نتیجه حکم تکلیفی به پنج نوع تقسیم می‌شود:

۱. خطاب به طلب فعل حتمی ایجاب است و متعلق آن واجب، به معنی ثابت و لازم است و در اصطلاح اصولیین عبارت از چیزی است که شرع عقوبتی را بر ترک آن اشعار کند و تارک آن مستحق عقاب است.

۲. خطاب به طلب فعل غیرحتمی ندب است و متعلق آن مندوب (مستحب). مندوب اسم مفعول از ندب است که به معنی دعوت و تشویق به شیء مهم باشد و در اصطلاح عبارت است از امری که شارع فعل آن را به طور غیرحتمی خواسته و ترک آن موجب عقاب نیست.

۳. خطاب به طلب ترک حتمی تحریم است و متعلق آن حرام، که در لغت به چیزی گفته می شود که از آن جلوگیری شده باشد و در اصطلاح، فعلی را حرام گویند که شارع به سبب ارتکاب آن، عقابی را اشعار کند. همچنین گفته شده، حرام چیزی است که ترک آن به قصد اطاعت، دارای ثواب و فعل آن سبب عقاب باشد.

۴. خطاب به طلب ترک غیرحتمی کراهت است و متعلق آن مکروه، که در لغت به معنای ناخوشایند، ناپسندیده و ناگوار می باشد و در اصطلاح به چیزی اطلاق می شود که شارع به طور غیرحتمی ترک آن را خواسته است و تارک آن ممدوح است ولی فاعل آن مذموم نیست.

۵. خطاب به اختیار بین فعل و ترک، اباحه است و متعلق آن مباح به معنی اظهار و اعلان و آزاد ساختن و در اصطلاح چیزی را مباح گویند که شارع به فاعل آن اختیار ترک و فعل داده است، بدون آنکه مدح یا ذمی در ترک و فعل آن به او تعلق گیرد^۱.

۳-۱-۱-۲- حکم وضعی

حکم وضعی در اصطلاح اصولیین عبارتست از اموری که شرع آنها را سبب یا شرط یا مانع قرار داده است (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۸). به عبارت دیگر حکم وضعی آن قسم از حکم شرعی است که مستقیماً به انسان و رفتار و گفتار او مربوط نمی شود، بلکه وضع مشخص و معینی را قانونگذاری می کند که به طور غیرمستقیم بر اعمال و رفتار انسان اثر می گذارد.

۳-۲- نیت

نیت در لغت انبعاث دل باشد بطرف آنچه موافق غرض خود داند از جلب نفع و دفع مضار، حالاً یا مالاً و در شرع اراده ایست که متوجه به طرف فعل برای طلب رضایت خدا و امثال اوامر او باشد و نیز در لغت، عزم و در شرع، عزم و قصد به فعل باشد (سجادی، ۱۳۷۳: ۲۰۷۷). مرحوم امام

۱- البته باید به این نکته توجه کرد که آوردن مباح در جمله احکام تکلیفی مشکل است زیرا در حالت اختیار تکلیف قابل تصور نیست و تقسیم احکام به این صورت از باب تقلیب است.

خمینی(ره) پیرامون حقیقت نیت و ماهیت آن از نظر شرع می‌فرمایند، آن (نیت) به معنی عزم، اراده و قصد است، کما اینکه معنای لغوی و عرفی آن نیز همین است و لزوم آن برای درستی اطاعت و فرمانبرداری بدون شک برای این است که اختیاری بودن فعل متوقف بر آن است (لنکرانی، ۱۳۸۰: ۳۴۷).

یکی از مسائل بسیار مهم در عبادت مسئله نیت است. نیت روح هر عبادتی محسوب می‌شود و ارزش عبادت ارتباط تامّ و تمام به نیت انسان دارد. اگر نیت عبادت اشکال داشته باشد و درست نباشد، آن عبادت هرچه هم حجمش زیاد باشد، سرسوزنی برای انسان فائده نخواهد داشت. این یک قاعده کلی است که عقلاً برای ارزشیابی برخی از کارها به ظاهر آن نگاه نمی‌کنند، بلکه دقت می‌کنند که با چه نیتی انجام شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۸۰)، کما اینکه رسول اکرم(ص) فرمودند: مردم بر اساس نیت‌هایشان محشور می‌شوند (مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵: ۶۷۰).

اهمیت نقش نیت در اعمال تا بدان حد است که می‌توان غیر از عبادات اصطلاحی، از طریق نیت به نحوی عمل نمود که تمام اعمال عبادت باشند و حتی مباحات نیز عبادت به حساب آیند، این در صورتی است که انسان در همه افعال خود رضایت خداوند را مد نظر داشته باشد. اگر قصد از هر نشست و برخاست و هر عملی که انجام می‌گردد، تحصیل رضایت و خشنودی خدا باشد، آن عمل عبادت می‌شود. البته تفاوت عبادات خاص با سایر اعمال این است که اگر سایر اعمال به قصد جلب رضایت الهی انجام نشود، مشکل ندارد و مستوجب عذاب نمی‌شود، اما عبادات خاص مثل نماز و روزه، اگر به قصد ریا انجام شود؛ فرد مستوجب عقاب و عذاب الهی خواهد شد. همانگونه که ذکر شد اساس و شالوده هر عملی، نیت آن است و هیچ عملی نیست که نیت نداشته باشد. همانگونه که حضرت امام سجاد(ع) نیز فرمودند: لا عمل الا بنیه؛ عمل، جز به نیت نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۴) و اینکه ممکن است انسان ظاهراً مشغول به انجام فعل حلالی باشد ولی بدلیل اینکه نیتش مشکل دارد، آن عمل ممکن است فاعلش را مستحق عقاب نماید، همانطور که امیرالمؤمنین(ص) نیز فرمودند: ربّ عمل افسدته النیه؛ ای بسا عملی که نیت آنرا تباه کرد (آمدی، ۱۳۸۵: ۴۳۱).

معیار سومی که در تقسیم‌بندی در ادبیات اقتصاد اسلامی از آن بهره گرفته می‌شود، مبادله در بازار است که همانند معیار در نظر گرفته شده در تقسیم‌بندی توماس می‌باشد. از آنجایی که همان تعریف رایج در اقتصاد متعارف را دارد، در اینجا بدلیل رعایت اختصار بدان پرداخته

نمی‌شود.

۴- حدود شرعی در تفکیک فعالیت‌های اقتصادی

در اسلام نیز بر اساس معیارها و موازین شرعی، تقسیم‌بندی‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی بیان گردیده است. بعضی از متون فقهی فعالیت‌های اقتصادی را به احکام پنجگانه واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام تقسیم نموده‌اند (سلار دیلمی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۱؛ حلی، ۱۴۱۸ق: ۵؛ حلی، ۱۳۶۸: ۱۱۶؛ و شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۸).

بر همین اساس برخی از فقها چون خود کالا و یا خدمات را در تقسیم‌بندی مورد ملاحظه قرار داده‌اند؛ لذا در تقسیم‌بندی کسب‌ها به مباح، مکروه و حرام اکتفا نموده‌اند (شهید اول و ثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۶ و محقق حلی، ۱۳۶۸: ۱۴۳-۱۴۰).

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید هر چیزی را که خدای تعالی آن را مباح یا مستحب قرار داده و نسبت به آن ترغیب نموده، کسب و تصرف در آن جایز و رواست، اعم از اینکه صنعتی باشد یا تجاری یا غیر آن دو و هر آنچه خدای تعالی آن را حرام دانسته و استفاده از آنرا منع کرده، کسب و تصرف در آن در هر حال جایز نیست (شیخ طوسی، بی تا: ۳۶۳).

با توجه به آنچه ذکر شد، حدود و معیار شرعی در تفکیک فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان در پنج حکم زیر خلاصه نمود:

الف / واجب: در دو مورد تجارت کردن واجب می‌باشد، یکی در موردی که تحصیل خرجی خود و عائله واجب‌النفقه (زن و بچه یا پدر و مادر) موقوف بر تجارت باشد (شهید اول، ۱۴۱۴ق: ۱۶۲). به این معنی که هیچ راهی برای تحصیل خرجی وجود ندارد، مگر از راه تجارت، تا انسان یا عیالش در معرض هلاکت نیفتند. دیگری در موردی که نظم اجتماع بدان وسیله تأمین گردد، زیرا بر پا داشتن نظم در جامعه؛ از واجبات کفایی است و هرگونه تجارت در صورتی که منظور فوق را برآورده نماید، واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۸). به طور کلی تجارتی که انسان به آن نیاز داشته و قوت روزانه و نفقه عیال او بدان بستگی داشته باشد (علامه حلی، ۱۴۱۸ق: ۵)، به شرط اینکه به حرام اشتغال نوزد و معیشتی غیر از آن برای انسان نباشد (سلار دیلمی ۱۴۱۴ق: ۱۷۱)، واجب است.

ب / مستحب: در سه مورد تجارت کردن مستحب است، یکی در جایی که غرض از تجارت، این باشد که خانواده در رفاه و آسایش بیشتر قرار گیرند. دوم در موردی که انسان بخواهد به

مؤمنین نفع برساند و سوم در موردی که بخواهد به وسیله تجارت، به فقرایی که احتیاجشان به حد اضطرار نرسیده، نفعی برساند. اما اگر فقرا در حال اضطرار باشند، در این صورت تجارت کردن برای برطرف ساختن اضطرار آنها واجب است، زیرا رفع اضطرار از آنها واجب است و فرض این است که نفع آن موقوف به تجارت کردن است، پس تجارت، مقدمه دفع اضطرار می‌شود و در نتیجه واجب خواهد بود زیرا مقدمه واجب، واجب است^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۸).

ج / مباح: موضوع مباح آن است که کسب و عدم کسب به آن، رجحان نداشته باشد. به این معنی که نه کسب با آن رجحان و برتری شرعی دارد که ترک کسب، مرجوحیت داشته باشد - چون در این صورت مستحب خواهد بود - و نه کسب با آن مرجوحیت دارد، که ترک کسب رجحان و برتری شرعی داشته باشد، چون در این صورت مکروه خواهد بود (قارویی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰: ۱۰۵).

به طور کلی هر تجارتی که در آن جهت رجحان و برتری شرعی و یا جهت مرجوحیت شرعی نباشد، مباح خواهد بود. مثل اینکه تجارت، نه برای تحصیل قوت خود و عیال باشد و نه برای توسعه و رفاه عیال و یا نفع مؤمنین و فقرا باشد، بلکه فقط برای تحصیل زیادی در مال و سرمایه باشد، یعنی غرض از تجارت، افزوده شدن مال باشد. اما اگر در تجارت، جهت رجحان باشد، مستحب و یا واجب می‌شود و اگر در آن، جهت مرجوحیت باشد، مکروه و یا حرام می‌گردد.

به عبارت دیگر تجارت مباح، تجارتی است که موجب افزایش مالی می‌شود و فعل و ترک آن هیچ رجحان و مزیتی ندارد یعنی فقط و صرفاً می‌خواهد مالش افزایش پیدا کند و نیازی به زیادی ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۸ق: ۵). همچنین می‌توان گفت، مباح درآمدی است که ترک آن به انسان ضرر نمی‌رساند و انجام آن او را به مشقت نمی‌اندازد، بلکه بی‌نیاز از آن است (سلار دیلمی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۱). به طور کلی سوای مکروهات و محرمات، مباح می‌باشند (محقق حلی، ۱۳۶۸: ۱۴۳-۱۴۰).

۱ - البته مرحوم علامه حلی (حلی، ۱۳۶۸: ۱۱۶)، هم در تبصره المتعلمین فی احکام الدین و هم در قواعد الاحکام (حلی، ۱۴۱۸ق: ۵) و همچنین مرحوم سلار دیلمی در المراسم العلویه (سلار، ۱۴۱۴ق: ۱۷۱) نیز تجارتی که قصد آن توسعه بر زندگی و خانواده باشد را مستحب دانسته‌اند.

د/ مکروه: تجارتي که مشتمل بر نهی تنزیهی - نه نهی که تکلیف به گردن انسان آورد - از طرف شارع است را مکروه گویند و بر سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اول آنکه مکروه است به جهت آنکه غالب اوقات منجر به حرام یا مکروه می‌شود^۱؛
۲. دوم آنکه مکروه است به جهت پستی آن کسب^۲؛
۳. سوم آنکه مکروه است به جهت راه داشتن شبهه در آن، مثل چیزی که اطفال کسب می‌نمایند و کسانی که از حرام اجتناب نمی‌نمایند (محقق حلی، ۱۳۶۸: ۱۴۳-۱۴۰).

ه/ حرام: تجارتي که برای مصرف در فساد و یا اشتغال به حرام (سلار دیلمی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۱) می‌شود را حرام گویند که مشتمل بر یک وجه قبح است و دارای اقسام گوناگون می‌باشد. اول کسب با نجس‌العین و متنجس که دارای مصادیق و معیارهای خاص خود می‌باشد. دوم، کسب با چیزهایی که در راه حرام استفاده می‌شوند، که خود شامل چیزی که فقط در راه حرام استفاده می‌شود، چیزی که به قصد حرام معامله می‌شود و چیزی که شأن آن قصد حرام است، می‌شود. سوم از چیزهایی که تکسب به آن حرام است کسب با چیزهایی که منفعت محلله مورد اعتنای عقلا ندارد. چهارم، کسب با چیزهایی که فی نفسه کار حرام است و در شرع نص بر حرمت آن وجود دارد و بالاخره پنجم از چیزهایی که تکسب به آن حرام است، هر چیزی که انجام دادن آن بر انسان واجب باشد (شیخ انصاری، ۱۴۲۰ق؛ محقق حلی، ۱۳۶۸: ۱۴۳-۱۴۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۸ق: ۱۱۶ و شعرانی، بی تا: ۲۳۵-۲۲۷).

۵- مقایسه دو دیدگاه اسلام و اقتصاد متعارف در مورد اقتصاد غیررسمی

همانطور که در بخش قبل به آن اشاره شد، در اقتصاد متعارف برای طبقه‌بندی بر اساس معیارهای توماس، از جهت قانونی بودن فعالیت، می‌توان از بخش خانوار شروع و به بخش جنایی رسید. یعنی در بخش خانوار عموماً فعالیت‌ها قانونی هستند و توماس بخاطر معیار عدم مبادله، این بخش را در اقتصاد غیررسمی مطرح نموده است.

سپس بخش غیررسمی که معمولاً شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آن‌ها و همچنین کسبه و

۱ - مثل صرافی کردن، کفن فروشی و فروختن خوردنی‌هایی چون گندم و جو و بنده‌فروشی و ذبح و نحر کردن حیوانات.

۲ - مثل حجامت کردن و راندن حیوان نر به ماده هرگاه شرط اجرت کند.

پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیررسمی است و علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی، عمدتاً ناشی از دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش می‌باشد. نکته قابل توجه در بخش غیررسمی این است که کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آن‌ها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز می‌باشد. در بخش نامنظم تمام فعالیت‌هایی که طبقه‌بندی شده‌اند، کم و بیش نوعی از ماهیت غیرقانونی بودن، مثل فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در کارگاه) و تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن را دارد. به عبارت دیگر در واقع اصل تولید کالاها و خدمات در این بخش قانونی و مجاز می‌باشد، ولی در نحوه تولید و یا توزیع آن‌ها کاری خلاف و غیرقانونی صورت می‌گیرد.

بالاخره بخش جنایی که در این بخش، هم در نحوه تولید و توزیع کالاها و خدمات کارهای خلاف و غیرقانونی صورت می‌گیرد و هم اصل کالاها و خدمات در این بخش غیرقانونی می‌باشند. از طرف دیگر همانگونه که مشاهده شد، در اسلام نیز تقسیم‌بندی‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی بیان گردیده است و با توجه به معیارها و موازین شرع، فعالیت‌های اقتصادی به احکام پنج‌گانه واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام تقسیم شده‌اند.

با توجه به اینکه در رویکرد اقتصاد اسلامی سه معیار بسیار مهم شرعی بودن (قانونی بودن)، مبادله در بازار و نیت صحیح در نظر گرفته شده است، همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بیست حالت کلی قابل تصور می‌باشد که این حالات گوناگون را می‌توان با فرایند تقسیم‌بندی حاکم بر اقتصاد متعارف، مقایسه نمود. در حالت‌های اول، پنجم و نهم که اعمال واجب، مستحب و مباح، با نیت صحیح انجام می‌شوند و همچنین قابل مبادله هم می‌باشند، در زمره اقتصاد رسمی قرار می‌گیرند و بقیه حالات داخل در اقتصاد غیررسمی می‌شوند.

اما با توجه به تقسیم‌بندی‌ای که توسط توماس برای اقتصاد غیررسمی صورت گرفته است، در مقام مقایسه می‌توان اینگونه بیان نمود که حالت‌های سوم، هفتم و یازدهم، علی‌رغم اینکه اعمالی را در بر می‌گیرند که شامل نهی شارع نمی‌باشند و همچنین دارای نیت درستی می‌باشند، ولی به دلیل عدم مبادله در بازار، در اقتصاد غیررسمی قرار گرفته و قرابتی با بخش غیررسمی یا خانوار توماس دارند.

جدول (۲): تقسیم‌بندی فرایندهای اقتصاد با معیارهای اقتصاد اسلامی

ردیف	حکم شرعی	مبادله	نیت	توضیحات
۱	واجب	دارد	خوب	اقتصاد رسمی
۲	واجب	دارد	بد	به دلیل نیت نادرست وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش جنایی)
۳	واجب	ندارد	خوب	به دلیل عدم مبادله وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش غیررسمی یا خانوار)
۴	واجب	ندارد	بد	به دلیل عدم مبادله و نیت نادرست وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش جنایی)
۵	مستحب	دارد	خوب	اقتصاد رسمی
۶	مستحب	دارد	بد	به دلیل نیت نادرست وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش جنایی)
۷	مستحب	ندارد	خوب	به دلیل عدم مبادله وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش غیررسمی یا خانوار)
۸	مستحب	ندارد	بد	به دلیل عدم مبادله و نیت نادرست وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش جنایی)
۹	مباح	دارد	خوب	چون عمل مباح با نیت خوب انجام شده، داخل در اقتصاد رسمی است
۱۰	مباح	دارد	بد	بدلیل نیت نادرست وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش جنایی)
۱۱	مباح	ندارد	خوب	بدلیل عدم مبادله وارد اقتصاد غیررسمی می‌شود (بخش غیررسمی یا خانوار)
۱۲	مباح	ندارد	بد	بدلیل عدم مبادله و نیت نادرست در اقتصاد غیررسمی است (بخش جنایی)
۱۳	مکروه	دارد	خوب	چنین حالتی مصداق ندارد
۱۴	مکروه	دارد	بد	بدلیل نیت بد و مکروه بودن در اقتصاد غیررسمی است (بخش جنایی)
۱۵	مکروه	ندارد	خوب	بدلیل عدم مبادله و مکروه بودن در اقتصاد غیررسمی است (بخش نامنظم)
۱۶	مکروه	ندارد	بد	بدلیل عدم مبادله، مکروه بودن و نیت بد در اقتصاد غیررسمی است

ردیف	حکم شرعی	مبادله	نیت	توضیحات
				(بخش جنایی)
۱۷	حرام	دارد	خوب	چنین حالتی مصداق ندارد
۱۸	حرام	دارد	بد	اقتصاد غیررسمی (بخش جنایی)
۱۹	حرام	ندارد	خوب	چنین حالتی مصداق ندارد
۲۰	حرام	ندارد	بد	بدلیل حرام بودن، عدم مبادله و نیت نادرست در اقتصاد غیررسمی است. (بخش جنایی)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

حالت پانزدهم به دلیل اینکه هم مبادله صورت نمی‌پذیرد و هم عمل مکروه است و با توجه به اینکه بخش مکروهات آن فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرند که از طرف شارع در مورد آن‌ها نهی تنزیهی شده است - در مقابل نهی تحریمی - یعنی نهی که به گردن انسان تکلیف بیاورد، نمی‌باشد و به جهت آنکه آثار منفی‌ای بر آن مترتب است، اجتناب از آن بهتر است. همچنین یکی از دلایلی که فعالیت را مکروه می‌کند، آن است که غالب اوقات، عاقبت آن منجر به حرام می‌شود - که مخالف قانون شرع می‌باشد - یعنی خود عمل در ابتدا غیرقانونی (غیرشرعی) نمی‌باشد، بلکه در صورت مداومت بدان غالباً حالت غیرقانونی پیدا می‌کند، چیزی شبیه بخش نامنظم در طبقه‌بندی توماس می‌باشد که در آن بخش، اصل تولید کالاها و خدمات قانونی و مجاز می‌باشد، ولی در نحوه تولید و یا توزیع آن‌ها، کاری خلاف و غیرقانونی صورت می‌گیرد. حالت‌های دوم، ششم و دهم با وجود امکان مبادله در بازار و همچنین عدم نهی شارع، بدلیل نیت ناصحیح، وارد اقتصاد غیررسمی شده و با توجه به تقسیم‌بندی توماس در زمره بخش جنایی قرار می‌گیرند.

حالت‌های چهارم، هشتم و دوازدهم، علی‌رغم عدم نهی از طرف شارع، بخاطر نبود امکان مبادله و همچنین نیت نادرست جزو اقتصاد غیررسمی به حساب آمده و با بخش جنایی توماس قابل مقایسه می‌باشند. حالت چهاردهم به دلیل مکروه بودن و نیت نادرست و حالت شانزدهم به دلیل نیت نادرست، عدم مبادله و همچنین مکروه بودن در جرگه اقتصاد غیررسمی و بخش جنایی قرار می‌گیرند.

بالاخره حالت هجدهم به دلیل وجود نیت نادرست و نهی شارع و حالت بیستم به دلیل عدم

مبادله، نیت نادرست و از همه مهم‌تر نهی تحریمی شارع، داخل اقتصاد غیررسمی است و با بخش جنایی توماس مطابقت دارد. زیرا بخش محرّمات در برگیرنده کالاها و فعالیت‌هایی است که مشتمل بر وجه قبح است و در آنجا نه تنها اهداف اقتصادی تعقیب نمی‌شود، بلکه عواملی برای فساد در روابط اقتصادی و از بین بردن ارزش‌های معنوی خواهند بود. این فعالیت‌ها بخاطر ناسازگاری با مصالح جامعه حرام شناخته شده و از طرف شارع در مورد آن‌ها نهی تحریمی داریم، یعنی هم کالاها و هم فعالیت‌هایی که در این بخش صورت می‌پذیرند، به نوعی خلاف شرع می‌باشند و غیرقانونی محسوب می‌گردند که دقیقاً همانند بخش جنایی در تقسیم‌بندی توماس می‌باشد، که در آن بخش نیز، هم در نحوه تولید و توزیع کالاها و خدمات کارهای خلاف و غیرقانونی انجام می‌شود و هم اصل تولید کالاها و خدمات غیرقانونی می‌باشند.

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

از آنچه که بیان گردید، اهمیت اقتصاد غیررسمی روشن می‌گردد و از آن جایی که گسترش اقتصاد غیررسمی، دارای پیامدهای متعددی بوده و بر بخش‌های مختلف اقتصادی و غیراقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارد و سبب عدم کارایی بخش‌های گوناگون می‌گردد، شناخت ابعاد، زوایا، بخش‌ها و اندازه آن، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

بر این اساس سؤالی که مورد توجه قرار می‌گیرد این است که آیا این بخش در اقتصاد اسلامی نیز می‌تواند مطرح باشد و یا با توجه به مهم بودن این موضوع، موضع اقتصاد اسلامی نسبت به آن چگونه است؟ که در این نوشتار سعی شده است به تبیین این موضوع پرداخته شود.

بر اساس ادبیات موجود، تعریف و تقسیم‌بندی توماس در مورد اقتصاد غیررسمی، با توجه به جایگاهش، از جامعیت بیشتری برخوردار می‌باشد. لذا در این نوشتار تقسیم‌بندی وی به عنوان معیار مقایسه مورد استفاده قرار گرفته و بر اساس آن بحث شده است. معیارهای مورد استفاده توماس برای تفکیک اقتصاد رسمی و غیررسمی، مبادله در بازار و قانونی بودن می‌باشد. در رویکرد انتخاب شده، معیار مبادله در بازار در اقتصاد متعارف و اسلامی مشترک می‌باشد، اما به جای قانونی بودن، در اقتصاد اسلامی معیار شرعی بودن پیشنهاد می‌گردد.

وجه افتراق اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف این است که، در اقتصاد متعارف و دیدگاه سکولار، ارتباط انسان با خداوند متعال در نظر گرفته نمی‌شود و اگر هم مد نظر قرار می‌گیرد، تنها جنبه

فردی و شخصی دارد و تأثیرگذار بر فرایند اقتصادی تلقی نمی‌گردد. در حالی که در اقتصاد اسلامی تمامی مناسبات (مستقیم یا غیرمستقیم) حول محور خداوند متعال شکل می‌گیرد. لذا معیار دیگری که بسیار مهم و تأثیرگذار به نظر می‌رسد، نیت می‌باشد که در تقسیم‌بندی باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد. البته ممکن است این اشکال مطرح گردد که نیت، امری قلبی است و به راحتی نمی‌توان از نیات افراد اطلاع پیدا کرد و میزان و ابزار ظاهری برای سنجش نیت افراد وجود ندارد و فقط در پرونده اخروی اعمال افراد مورد محاسبه قرار می‌گیرد. اما از جهت دیگر، در بعد فرهنگی حایز اهمیت می‌باشد، بدین معنا که می‌توان با فرهنگ‌سازی و تقویت دیدگاه تقوی در افراد جامعه، نیات انسان‌ها را به مسیر الهی جلب نموده و در اثر آن اقتصاد غیررسمی را کاهش داد.

به طور کلی، در مورد هر فعالیت اقتصادی اگر نیت صحیح و مبادله در بازار وجود داشته باشد و در مورد آن نهی از جانب شارع وجود نداشته باشد، آن فعالیت داخل در اقتصاد رسمی می‌باشد و در غیر این صورت در زمره اقتصاد غیررسمی قرار می‌گیرد.

منابع

- (آیت الله) شعرانی، ابوالحسن (بی تا)، **تبصره المتعلمین فی احکام الدین**، به انضمام فقه فارسی، کتاب فروشی الاسلامیه.
- (آیت الله) فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۰)، **کتاب الطهاره (تقریرات درس مرحوم امام خمینی (ره))**، فرع قم المقدسه: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
- (الشیخ) طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (بی تا)، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، قم: انتشارات قدس محمدی.
- (شیخ) انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۰ق)، **المکاسب**، الطبعة الثالثة، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- (علامه) حلی، ابو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی (۱۴۱۸)، **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، ج ۲، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- (علامه) حلی، جمال الدین حسن بن یوسف المطهر (۱۳۶۸)، **تبصره المتعلمین فی احکام الدین**، چاپ اول، تهران: انتشارات فقیه.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۵)، **نور الحکم و درر الکلم**، ترجمه محمد علی انصاری، چاپ سوم، قم: امام عصر (عج).
- توماس، جی. جی (۱۳۷۶)، **اقتصاد غیررسمی**، ترجمه منوچهر محمدی و کامران سپهری. تهران: موسسه تحقیقات پولی.

- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۳)، **فرهنگ معارف اسلامی**، جلد سوم، تهران: کومش.
- سلار، الشیخ ابی یعلی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی (۱۴۱۴ق)، **المراسم العلویه فی الاحکام النبویه**، قم: المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی لأهل البیت (ع).
- شکاری، روشنعلی (۱۳۸۲)، **اصول فقه**، تهران: نسل نیکان.
- الشهید الاول، شمس الدین محمد بن مکى العالمی (۱۴۱۴ق)، **الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**، ج ۳، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الشهید الثانی، زین الدین ابن علی الجبل العالمی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدهشقیه**، ج ۳، چاپ اول، قم: انتشارات داوری.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۶)، **درس های در علم اصول**، ترجمه علی اوجی، تهران: نشر نقطه.
- ضیائی بیگدلی، محمد (۱۳۸۳)، **کار شایسته و اقتصاد غیر رسمی**، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
- عرب مازار، علی (۱۳۸۰)، **اقتصاد سیاه در ایران**، رساله دکتری علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاروبی تبریزی، حسن (۱۴۲۴ق)، **النضید فی شرح روضه الشهید**، ج ۱۰، قم: انتشارات داوری.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، **اصول کافی**، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجیدی خوانساری، غلامحسین (۱۳۸۵)، **نهج الفصاحه**، چاپ دوم، قم: انصاریان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۳۶۸)، **شرایع الاسلام**، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، عبدالکریم (۱۳۷۸)، **مبانی فقه**، تهران: نشر احسان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، **به سوی او**، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- Bagachwa, M.S.D., Naho, A.(1995), Estimating the Second Economy in Tanzania, *World Development*, 23, pp: 1387– 1399.
- Bhattacharyya, D.K.(1999), On the Economic Rationale of Estimating the Hidden Economy, *Economic Journal*, 109, pp: 348–359.
- Carter, M.(1984), Issues in the Hidden Economy, *Economic Record*, 60, pp: 209–211.
- Chaudhuri, K. et al.(2006), The Size and Development of the Shadow Economy, An Empirical Investigation from States of India, *Journal of Development Economics*, 80, pp: 428–443.
- Dixon H.(1999), Controversy: On the Use of the “Hidden economy” Estimates, *The Economic Journal*, 109 (June), pp: 335-337.
- Draeseke, R., Giles, D.E.A.(2002), A Fuzzy Logic Approach to Modeling the NewZealand Underground Economy, *Math.Comput.Simulat*, 59, pp: 115–123.

- Feige, E. L. (1979), How Big Is the Irregular Economy?, *Challenge* 22; pp: 5–13.
- Frey B.S., Schneider, F.(2004), Informal and Underground Economics, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, pp:7441-7446.
- Frey, B.S, Weck-Hanneman, H.(1984), The Hidden Economy as an ‘Unobserved’ Variable, *European Economic Review*; Volume 26, Issues 1-2, pp:33-53.
- Fugazza, M., Jacques, J.F. (2003), Labor Market Institutions, Taxation and the Underground Economy, *Journal of Public Economics*, 88; pp: 395– 418.
- Katsios, S (2006), The Shadow Economy and Corruption in Greece, *South-Eastern Europe Journal of Economics* 1, pp:61-80.
- Orviska, M. et al. (2006), A Cross-Section Approach to Measuring the Shadow Economy, *Journal of Policy Modeling*, 28; pp: 713–724.
- Schneider, F. (1986), Estimating the Size of the Danish Shadow Economy Using the Currency Demand Approach: an Attempt, *The Scandinavian Journal of Economics*, 88; pp: 643– 668.
- Schneider, F; Enste, D.H.(2000), Shadow Economies: Size, Causes, and Consequences; *Journal of Economic Literature*, Vol. 38, No. 1, pp: 77-114.
- Smith, J.D.(1985); *Market Motives in the Informal Economy in Gaertner, W., Wenig, A. (Eds.), The Economics of the Shadow Economy*, Springer Publishing Company, Heidelberg; pp: 161– 177.
- Tanzi, V.(1999), Uses and Abuses of Estimates of the Underground Economy, *Economic Journal*, 109, pp: 338– 340.
- Thomas, j.j (1990), Measuring the Underground Economy, *American Behavioral Scientist*, Vol. 33, No. 5, pp: 621-637.